



عبودیت، عبدالرسول، میان‌اندیشه اسلامی-۲: خداشناسی فلسفی (ویراست
جدید) / تألیف: عبدالرسول عبودیت • قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی
امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸ • ۴-۲۱۱-۴۴۴-۶۰۵-۹۷۸-۹۷۸ • ISBN: کتابنامه و
هم‌چنین به صورت زیرنویس • ۱. خداشناسی - فلسفه. ۲. خدا - اثبات •
الف. مصباح، مجتبی، ۱۳۴۷ - ، نویسنده همکار، ب. عنوان. ۲۰م۲/ع/۱۰۲ BT

مبانی اندیشه اسلامی (۲)

خداشناسی

عبدالرسول عبودیت،
استاد گروه فلسفه
مؤسسه آموزشی و
پژوهشی امام خمینی رحمته
مجتبی مصباح، دانشیار گروه
فلسفه مؤسسه آموزشی و
پژوهشی امام خمینی رحمته

خداشناسی: سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی ۲ (ویراست جدید)

مؤلف: عبدالرسول عبودیت و مجتبی مصباح

ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته

ویراستار محتوا: علیرضا تاجیک

صفحه آرا: مجید بزم آرا

چاپ: نگارش

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۸

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۲۱۱-۴

۱۳	مقدمه
۱۵	مقدمهٔ معاونت پژوهش
۱۸	درآمد
۲۱	درس اول: کلیات
۲۳	مقدمه
۲۴	۱. ضرورت خداشناسی
۲۵	۲. ضرورت تعمیق خداشناسی
۲۶	نمونه‌هایی از پرسش‌ها در بارهٔ خداشناسی
۲۹	۳. ارتباط خداشناسی با دیگر مبانی اندیشهٔ اسلامی
۳۱	۴. راه‌های خداشناسی
۳۱	۴-۱. خداشناسی فطری
۳۲	۴-۲. خداشناسی عرفانی
۳۳	۴-۳. خداشناسی نقلی
۳۳	۴-۴. خداشناسی عقلی
۳۴	۵. رابطهٔ فلسفه با خداشناسی عقلی
۳۵	۶. مباحث کتاب
۳۷	خلاصه
۳۸	پرسش‌ها
۳۹	منابعی برای مطالعهٔ بیشتر

۴۱	درس دوم: وجوب، امتناع و امکان
۴۳	مقدمه
۴۳	۱. ضرورت
۴۴	۲. وجوب و امتناع
۴۵	۳. امتناع بالذات و امتناع بالغير
۴۶	۴. وجوب بالذات و وجوب بالغير
۴۷	۵. امکان بالذات
۴۸	۵.۱. سازگاری امکان بالذات با وجوب بالغير و امتناع بالغير
۴۹	۵.۲. تقسیم موجود به واجب بالذات و ممکن بالذات
۵۰	خلاصه
۵۰	پرسش‌ها
۵۱	منابعی برای مطالعه بیشتر
۵۲	پی‌نوشت‌ها
۵۵	درس سوم: اصل علت
۵۷	مقدمه
۵۸	۱. دیدگاه‌های متفاوت در بیان اصل علت
۵۸	۲. تفاوت دیدگاه‌ها
۵۹	۳. مناط احتیاج به علت
۶۱	۴. تحلیل دیدگاه امکانی
۶۴	خلاصه
۶۵	پرسش‌ها
۶۶	منابعی برای مطالعه بیشتر
۶۷	پی‌نوشت‌ها
۷۱	درس چهارم: اقسام علت
۷۳	مقدمه
۷۳	۱. تعریف علت
۷۴	۲. تقسیمات علت
۷۴	۲.۱. علت فاعلی، قابلی و غائی

۷۸	۲-۲ . علت تامه و علت ناقصه
۷۹	۲-۳ . علت مباشر و علت غیرمباشر
۷۹	۲-۴ . علل طولی و علل عرضی
۸۰	۲-۵ . علت حقیقی و علت اعدادی
۸۶	خلاصه
۸۷	پرسش‌ها
۸۸	منابعی برای مطالعه بیشتر
۸۹	پی‌نوشت‌ها
۹۱	درس پنجم: وجود بخشی علت فاعلی
۹۳	مقدمه
۹۳	۱ . تحلیل وجود بخشی علت فاعلی به معلول
۹۸	۲ . تحلیل ایجاد
۱۰۰	۳ . حقیقت معلول
۱۰۳	۴ . تقسیم موجود به رابط و مستقل
۱۰۴	خلاصه
۱۰۵	پرسش‌ها
۱۰۷	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۰۸	پی‌نوشت‌ها
۱۱۱	درس ششم: نتایج اصل علیت
۱۱۳	مقدمه
۱۱۴	۱ . قانون سنخیت علی - معلولی
۱۱۵	۱-۱ . سنخیت علت وجودبخش با معلول آن
۱۱۷	۱-۲ . نتیجه
۱۱۷	۱ . قانون معیت علی - معلولی
۱۲۰	۲-۱ . استدلال
۱۲۱	۲-۲ . نقض قانون معیت، و حل آن
۱۲۲	۲-۲-۱ . نقض
۱۲۳	۲-۲-۲ . حل

۱۲۶	خلاصه
۱۲۷	پرسش‌ها
۱۲۹	منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۱۳۰	پی‌نوشت‌ها
۱۳۵	درس هفتم: امتناع تسلسل و دور
۱۳۷	مقدمه
۱۳۸	۱. امتناع تسلسل
۱۳۸	۱-۱. تسلسل چیست؟
۱۴۰	۱-۲. استدلال
۱۴۴	۲. امتناع دُور
۱۴۵	۲-۱. دور چیست؟
۱۴۶	۲-۲. استدلال
۱۴۸	تذکر
۱۴۹	۳. نتیجه
۱۵۱	خلاصه
۱۵۲	پرسش‌ها
۱۵۳	منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۱۵۵	پی‌نوشت‌ها
۱۵۷	درس هشتم: اثبات وجود خدا
۱۵۹	مقدمه
۱۶۰	۱. برهان اول
۱۶۲	۲. برهان دوم
۱۶۳	۳. برهان سوم
۱۶۵	نکته
۱۶۶	خلاصه
۱۶۶	پرسش‌ها
۱۶۷	منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۱۶۸	پی‌نوشت‌ها

۱۷۱	درس نهم: کمال مطلق و یکتایی خداوند
۱۷۳	مقدمه
۱۷۴	۱. راه اثبات اوصاف خدا
۱۷۵	۲. کامل مطلق بودن خداوند
۱۷۵	۱-۲. امکان رابط بودن؛ مستلزم ضرورت رابط بودن
۱۷۸	۲-۲. اثبات وصف «کمال مطلق» برای خدا
۱۸۰	۳. توحید و اقسام آن
۱۸۰	۴. یکتایی خداوند
۱۸۳	خلاصه
۱۸۴	پرسش‌ها
۱۸۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۸۷	پی‌نوشت‌ها
۱۸۹	درس دهم: اوصاف سلبی خداوند
۱۹۱	مقدمه
۱۹۱	۱. تقسیم اوصاف خداوند
۱۹۲	۱-۱. اوصاف ذاتی و اوصاف فعلی
۱۹۴	۱-۲. اوصاف ثبوتی و اوصاف سلبی
۱۹۵	۲. اثبات اوصاف خداوند از راه کامل مطلق بودن او
۱۹۶	۳. اوصاف سلبی خداوند
۱۹۷	۱-۳. مرکب نبودن
۱۹۷	۱-۱-۳. مرکب نبودن خداوند از اجزای بالفعل
۱۹۸	۱-۲-۳. مرکب نبودن خداوند از اجزای بالقوه
۱۹۹	۲-۳. زمانی و مکانی نبودن خداوند
۲۰۰	۳-۳. جسم و جسمانی نبودن خداوند
۲۰۲	۴. نتایج
۲۰۲	۱-۴. نبودن رابطه زمانی، مکانی و جسمانی میان خدا و موجودات
۲۰۲	۲-۴. توحید ذاتی
۲۰۳	خلاصه

۲۰۴	پرسش‌ها
۲۰۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۰۶	پی‌نوشت‌ها

درس یازدهم: اوصاف ثبوتی خداوند (۱)

۲۱۱	۱. علم
۲۱۲	۱-۱. علم به خود
۲۱۳	۱-۲. علم به غیر خود
۲۱۵	۲. اراده و اختیار
۲۱۹	۲-۱. اراده تکوینی و اراده تشریحی
۲۲۱	خلاصه
۲۲۲	پرسش‌ها
۲۲۳	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۲۴	پی‌نوشت‌ها

درس دوازدهم: اوصاف ثبوتی خداوند (۲)

۲۲۹	۳. قدرت
۲۳۰	۳-۱. دو شبهه در باره قدرت خداوند و پاسخ آنها
۲۳۳	۴. حیات
۲۳۴	توحید صفاتی
۲۳۷	خلاصه
۲۳۷	پرسش‌ها
۲۳۸	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۳۹	پی‌نوشت‌ها

درس سیزدهم: اوصاف فعلی خداوند (۱)

۲۴۳	۱. خالقیت
۲۴۴	توحید افعالی
۲۴۴	شبهه‌ای در باره توحید افعالی و پاسخ آن
۲۴۶	۱. ربوبیت

۲۴۸	۲-۱. ربوبیت تکوینی و تشریحی
۲۴۹	۳. مالکیت
۲۵۰	۴. الوهیت
۲۵۰	۵. قضا و قدر
۲۵۲	۶. تکلم
۲۵۳	۷. صدق
۲۵۵	خلاصه
۲۵۷	پرسش‌ها
۲۵۹	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۶۰	پی‌نوشت‌ها
۲۶۳	درس چهاردهم: اوصاف فعلی خداوند(۲)
۲۶۵	۸. حکمت
۲۶۶	۸-۱. لزوم علت غائی در هر کار اختیاری
۲۶۸	۸-۲. علت غائی در افعال خداوند
۲۷۰	۸-۳. مهندسی نظام خلقت و نظام احسن
۲۷۲	۸-۴. حکمت مطلق
۲۷۵	۹. عدل
۲۷۸	خلاصه
۲۸۰	پرسش‌ها
۲۸۱	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۸۲	پی‌نوشت‌ها
۲۸۳	درس پانزدهم: چند نکته درباره مباحث خداشناسی
۲۸۵	مقدمه
۲۸۵	۱. نقایص و شرور
۲۸۶	۱-۱. طرح مسئله
۲۸۷	۱-۲. نحوه پاسخ به مسئله
۲۸۸	۱-۳. تبیین نقایص و شرور در نظام احسن
۲۹۱	۱-۴. پاسخ برخی پرسش‌ها

۲۹۲	۱-۵. نتیجه
۲۹۳	۲. جبر و اختیار
۲۹۴	۲-۱. طرح و بررسی شبهه‌های جبر
۲۹۴	۲-۱-۱. شبهه اول
۲۹۵	۲-۱-۲. پاسخ شبهه اول
۲۹۶	۲-۱-۳. شبهه دوم
۲۹۶	۲-۱-۴. پاسخ شبهه دوم
۲۹۸	۳. نتایجی از مباحث خداشناسی
۲۹۸	۳-۱. نتایج نظری
۳۰۱	۳-۲. نتایج عملی
۳۰۴	خلاصه
۳۰۶	پرسش‌ها
۳۰۷	منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۰۹	پی‌نوشت‌ها
۳۱۱	منابع

مقدمه

● مقدمهٔ معاونت پژوهش

● درآمد

مقدمه

مقدمهٔ معاونت پژوهش

حقیقت اصیل‌ترین، جاودانه‌ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسلهٔ مؤمنان و عالمان صادق چه جان‌ها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل‌پرستان چه توطئه‌ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن نساخته‌اند. چه تلخ‌واقعیتی است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین‌حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین‌رفتنی و نگونسار. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، امداد کوشش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت‌جویانی است که در عرصهٔ نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانهٔ دنیا رسته‌اند، و در این میان نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، و به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان برحق و گرامی او، برجسته‌ترین است.

دانشمندان نام‌آور شیعه رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهره‌گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیرهٔ آن پیشوایان و عرضهٔ آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت‌پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشارِ فزون از شمارِ آثار نوشتاری و

دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفتهٔ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بس عظیم‌تر و سخت‌دشواری‌تر است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامهٔ درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینهٔ علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند، و می‌کوشند تا با فعالیت‌های روزافزونشان مقام شایستهٔ خویش را در صحنهٔ علمی بین‌المللی بازابند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرزوبوم آن‌گونه که شایستهٔ نظام اسلامی است به بار ننشسته و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان ردّپای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و پرچالش درپیش است. از این‌رو، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازمان‌دهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام از آغاز تأسیس براساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم‌شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی علیه‌السلام به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته

است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در قلمرو خداشناسی که با تلاش پژوهشگران ارجمند، استاد عبدالرسول عبودیت و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مجتبی مصباح نگارش یافته است. هدف اصلی نویسندگان، ارائه مهم‌ترین مباحث خداشناسی با روش عقلی و استدلالی و با توجه به نیازهای امروزه به عموم جوانان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی است.

معاونت پژوهش از مؤلفان محترم و حجج اسلام والمسلمین آقایان عسکری سلیمانی امیری، سید محمود نبویان و محمود فتحعلی و به‌ویژه از حضرت استاد علامه مصباح یزدی که با مطالعه و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند منان خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

درآمد

خداشناسی از جمله مباحث بنیادین اعتقادی است که به صورت‌های مختلف در کتاب‌های آموزشی، از دبستان تا دانشگاه، مطرح می‌شود. همین مباحث، در سطوح تخصصی کلام و فلسفه نیز، با استفاده از اصطلاحات ویژه دقیق‌تر بررسی می‌شوند. از آن رو که روش تحقیق در این مباحث عمدتاً عقلی است، بررسی عمیق آنها نیازمند آشنایی با مبانی فلسفی است. از سوی دیگر، آموختن فلسفه عموماً راهی طولانی و پیچیده جلوه می‌کند و به همین دلیل، در کتب آموزشی، بیشتر به بیان براهین ساده‌ای که کمتر به مبانی فلسفی و اصطلاحات خاص نیازمندند بسنده می‌شود. اما این کار دو پیامد نامطلوب دارد: از سویی، عموم دانشجویان از معارف عمیقی که در سطوح تخصصی در این زمینه طرح می‌شوند، بی‌بهره می‌مانند؛ و از سوی دیگر، برخی شبهات در ذهن دانشجویان پاسخ قانع‌کننده‌ای نمی‌یابند. به نظر می‌رسد آشنایی با مبانی فلسفی به زبان ساده و در محدوده‌ای که برای دریافت عمیق‌تر مباحث خداشناسی لازم است، و مبتنی ساختن اساس اعتقادات دینی بر مبانی قویم فلسفی، کاری است لازم که کمتر صورت گرفته و برای پاسخ به بسیاری از پرسش‌های اعتقادی نیز ضروری است.

کتاب حاضر با این هدف تدوین شده است که مبانی فلسفی لازم برای مباحث خداشناسی را به صورت نسبتاً ساده و روان، و در عین حال، کاملاً استدلالی بیان کند و بر پایه آن، اساس اعتقادات دینی را اثبات کرده، شبهات مربوط را به صورتی مناسب پاسخ دهد. در این کتاب، پس از مرور کلیاتی در باره انواع خداشناسی و ضرورت تعمیق آن، ابتدا برخی مباحث عام فلسفی طرح شده است که در مبحث خداشناسی به کار می‌آیند. این مباحث شامل مواد ثلاث، و علت و معلول، از مباحث عامه وجودند، و تلاش شده است که تنها در حد نیاز برای تأمین هدف پیش‌گفته بدانها

پرداخته شود و تا حد امکان، از طرح اقوال مختلف و اصطلاحات گوناگون، که موجب تشویش ذهن خواننده می‌شوند پرهیز شود. آن‌گاه بر اساس اصول فلسفی اثبات‌شده وجود خداوند و اوصاف او اثبات گردیده و به برخی شبهات نیز پاسخ داده شده است. درس‌های دوم تا هفتم این کتاب از برخی فصول کتاب درآمدی بر فلسفه اسلامی با تغییراتی بدین شرح اخذ شده‌اند: درس‌های دوم و سوم این کتاب، از فصل‌های پنجم و ششم، با تغییر جزئی؛ درس چهارم این کتاب، از فصل‌های هفتم و نهم؛ و درس پنجم این کتاب، از فصل هشتم با تغییرات؛ درس ششم این کتاب از بخشی از فصل‌های یازدهم و دوازدهم با تغییرات؛ و بالاخره درس هفتم این کتاب از فصل دهم با تغییر جزئی. همچنین در ویرایش جدید، برخی تغییرات در درس‌های مختلف صورت گرفته و مباحثی در باره اوصاف خداوند نیز افزوده شده است. در پایان، از استادان محترمی که نظارت بر تهیه این کتاب را بر عهده داشته‌اند و نیز دیگر استادانی که با راهنمایی‌های مفید خود در ارائه بهتر مطالب سهیم بوده‌اند، قدردانی می‌کنیم.

عبدالرسول عبودیت

مجتبی مصباح

بهار ۱۳۹۸

درس اول

کلیات

از دانش پژوه انتظار می رود پس از فراگیری این درس:

- با توجه به ابهام‌های موجود در باره خداشناسی، ضرورت تعمیق معرفت در باره خداوند را درک کند؛
- با درک ضرورت تعمیق خداشناسی، مباحث کتاب را با علاقه پی بگیرد؛
- ارتباط خداشناسی را با دیگر مبانی اندیشه اسلامی توضیح دهد؛
- اقسام راه‌های خداشناسی را بداند؛
- دلیل انتخاب خداشناسی عقلی را از میان راه‌های خداشناسی توضیح دهد؛
- ارتباط مباحث کتاب را بیان کند.

کلیات

❖ امام صادق (علیه السلام): لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَتَّعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَعِيمِهَا، وَكَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلَ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطُؤُونَهِ بِأَرْجُلِهِمْ، وَلَنَعْمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَتَلَدُّذُوا بِهَا تَلَدُّذَ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْسُ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَصَاحِبٌ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ، وَنُورٌ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ، وَقُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ، وَشِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ؛ اگر مردم فضیلت معرفت خداوند را می‌دانستند، چشمان خود را به زرق و برق‌های زندگی دنیا و نعمت‌های آن که خداوند دشمنان را از آن بهره‌مند کرده نمی‌دوختند و دنیای آنها برایشان از آنچه زیر پای می‌گذارند کم‌ارزش‌تر بود، و به معرفت خدا متنعم می‌شدند و از آن چنان لذتی می‌بردند که کسی که همواره در باغ‌های بهشت همراه اولیای خداست لذت می‌برد. معرفت خدا آرامش از هروحشتی و همراه برای هر تنهایی و نور برای هر تاریکی و نیرویی در برابر هر سستی، و درمان هر بیماری است.

مقدمه

پیش از آنکه به مباحث خدانشناسی بپردازیم، و حتی مقدمات لازم برای این مباحث را اثبات کنیم، مناسب است توضیحی در باره مباحث این کتاب بیاوریم. بدین منظور، در

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۴۷.

این درس، ابتدا در بارهٔ ضرورت خداشناسی و تعمیق این شناخت سخن می‌گوییم و به ارتباط خداشناسی با دیگر مبانی اندیشهٔ اسلامی اشاره می‌کنیم؛ آن‌گاه با بیان راه‌های گوناگون خداشناسی، توضیح می‌دهیم که در این کتاب، چرا روش عقلی را برگزیده‌ایم؛ سپس رابطهٔ فلسفه را با خداشناسی عقلی توضیح می‌دهیم، و آن‌گاه به مباحث این کتاب اشاره‌ای خواهیم کرد.

۱. ضرورت خداشناسی

توحید نخستین اصل از اصول دین اسلام، بلکه محور تمام ادیان آسمانی است، و به همین مناسبت، این ادیان را توحیدی می‌نامند؛ به طوری که اولین فراخوان پیامبران الهی، دعوت مردم به توحید بوده است. طبعاً اولین دعوت پیامبر اسلام این است که مردم خدای یگانه را بشناسند؛ سپس به او ایمان بیاورند؛ و آن‌گاه او را عبادت و اطاعت کنند، تا به سعادت و رستگاری جاودانه دست یابند. بدین ترتیب، از نظر اسلام، زندگی سعادت‌مندانه و دستیابی به رستگاری ابدی در گرو عمل به دستورهای الهی است، که خود، نیازمند ایمان به راهنمای الهی و به زندگی ابدی پس از مرگ، و پیش از آنها، ایمان به خداوند است. اما قدم نهادن در این راه، خود، نیازمند شناخت خداوند است و بدین ترتیب، از دیدگاه اسلام، اولین قدم برای نیل به سعادت حقیقی، خداشناسی است.

بر این اساس، از دیدگاه اسلام، سعادت دنیوی و سعادت اخروی، در بعد فردی و نیز در ابعاد اجتماعی، بدون ایمان به خدا امکان‌پذیر نیست. از نظر اسلام، همهٔ شئون زندگی، اعم از فرهنگ، تعلیم و تربیت، اخلاق، معنویت، سبک زندگی، روابط خانوادگی و اجتماعی، حقوق انسان‌ها، اقتصاد، سیاست، حکومت، روابط بین‌الملل، و جنگ و صلح، به ایمان به خدا مربوط است، و در هیچ یک از شئون مربوط به

انسان نمی‌توان بدون لحاظ نقش خداوند در عالم هستی و رابطهٔ انسان با خدا و مسئولیت آدمی در برابر خدا، راهکار و توصیه‌ای بجا و قابل اجرا ارائه داد. این ادعا، با صرف نظر از اینکه آن را بپذیریم یا نه، ما را بر آن می‌دارد که پیش از پرداختن به این امور بسیار مهم، که نیازهای اساسی امروز جوامع انسانی نیز هستند، در بارهٔ این آموزهٔ دین به درستی بیندیشیم و چنانچه این ادعا درست باشد، آن را از مبانی اصلی بررسی مسائل در حوزه‌های یادشده قرار دهیم.

۲. ضرورت تعمیق خدانشناسی

ممکن است چنین به نظر برسد که خدانشناسی گرچه لازم است، برای ما نیاز به بحث و بررسی زیادی ندارد؛ به‌خصوص با توجه به اینکه ما مسلمانیم و وجود آفریدگار را پذیرفته‌ایم، و در این باره نیز از دوران کودکی تاکنون، بارها مطالبی شنیده و خوانده‌ایم، و بنا بر این، نیازی نداریم که وقت بیشتری صرف این کار کنیم؛ به‌ویژه با توجه به اینکه در زمینه‌های دیگر نیازمند کار و تلاش نظری و عملی هستیم و طبعاً نباید وقت خود را صرف کارهای غیر ضرور و تکراری کنیم. اما باید دانست که خدانشناسی مراتبی دارد، و ما برای دستیابی بهتر به دیگر اهداف نیز، نیازمند تعمیق معرفت خود به خداوندیم، به‌ویژه آنکه امروز شبها پشیمانی در برابر اصل وجود خدا یا ارتباط خدا با دیگر حوزه‌های زندگی مطرح است، و همین امر موجب می‌شود کسانی که به‌ظاهر مسلمان و موحدند، در ساحت‌های مختلف زندگی، از همان الگوهای عملی‌ای پیروی کنند که خدانا باوران پیشنهاد داده یا بدان عمل می‌کنند. البته میزان تأثیر این آموزهٔ اساسی دین در دیگر حوزه‌های زندگی نیازمند بررسی است، و ممکن است زندگی خدا باور و خدانا باور و جوه شباهتی نیز داشته باشند. در هر صورت، تفریط و کوتاهی در این زمینه، ممکن است ما را به پیروی کورکورانه از راهی وادار کند

که با مبانی ما ناسازگار است، و به نوعی شرک عملی بینجامد؛ چنان که اثرپذیری از دیدگاه‌های افراطی، ممکن است ما را به مقابلهٔ جاهلانه با اموری بکشاند که با مبانی ما نیز سازگار است.

نمونه‌هایی از پرسش‌ها در بارهٔ خداشناسی

در اینجا می‌خواهیم با ذکر چند پرسش، نشان دهیم عمق بخشیدن به شناختی که معمولاً از خدای متعال داریم، می‌تواند راه‌گشای رفع چه نوع مشکلاتی باشد:

۱. عموماً خدای متعال را به عنوان آفریدگار، یعنی ایجادکنندهٔ این عالم و پدیدآورندهٔ حوادث آن می‌شناسیم. اما با پیشرفت علوم گوناگون، به تدریج علت حوادث مختلف کشف شده، و امید است با تلاش بیشتر دانشمندان در رشته‌های مختلف، همهٔ این علل و عوامل معلوم شوند؛ به طوری که بتوان علت هر حادثه‌ای را به دقت مشخص کرد، و بر اساس آن، حتی وقوع همهٔ حوادث بعدی را پیش‌بینی نمود. در این صورت، فرض وجود خداوند به عنوان پدیدآورندهٔ این جهان چه ضرورتی دارد؟ آیا همین که می‌دانیم باران چگونه می‌بارد، زلزله چرا پدید می‌آید، موجودات گوناگون چگونه به وجود می‌آیند و با چه شرایطی رشد می‌کنند، و بر اثر کدام عوامل مزاحم رو به افول و نهایتاً نابودی می‌روند، کافی نیست؟ آری؛ به نظر می‌رسد اگر این جهان ابتدایی داشته باشد، پذیرفتن وجود خدایی که اولین مخلوق را آفریده است لازم باشد؛ اما آیا جهان ابتدایی دارد؟ به هر حال، نقش خداوند در جهان کنونی، که با قوانین خاص خود و تحت نظام خاصی کار می‌کند، چیست؟ آیا او می‌تواند وقتی شرایط باریدن باران نیست، باران بفرستد؟ یا جلو زلزله‌ای را که شرایطش موجود است بگیرد؟ بدین ترتیب، معلوم نیست چرا باید دعا کنیم و از او کمک بخواهیم، و در برابر او تضرع و زاری کنیم؟ آیا کافی نیست که برای برآوردن نیازهای خود، سراغ اسباب و علل مادی برویم و این شرایط را فراهم کنیم؟ اگر هم بپذیریم که هر موجودی برای پیدایش

خود نیازمند خداوند است، در باره چیزهایی که وجود دارند، و از جمله خود ما، این پرسش مطرح است که اکنون چه نیازی به وجود خدا داریم. به نظر می‌رسد در باره داشته‌هایمان دیگر به او نیازی نداریم؛

۲. ادیان الهی خداوند را موجودی عالم، قادر، خیرخواه و تدبیرکننده همه امور عالم می‌دانند. در این صورت، این پرسش رخ می‌نماید که چرا در جهانی که تحت تدبیر چنین خداوندی است، این همه نقایص و شرور دیده می‌شود؟ آیا خداوند نمی‌دانست آفرینش جهان به این صورت، موجب این نقایص و کمبودها خواهد شد، یا نمی‌خواست جهان عاری از این نقایص باشد، یا نمی‌توانست جهان را بهتر از این بیافریند؟

۳. از سوی دیگر، می‌توان پرسید اگر جهان را چنین خدایی تدبیر و اداره می‌کند، اراده و اختیار ما در وقوع حوادث عالم چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟ آیا پذیرفتن تدبیر عام الهی به این معنا نیست که خواست ما در هیچ چیزی مؤثر نیست و ما مسئولیتی در باره حوادث این عالم نداریم؟ آیا این اعتقادات موجب احساس بی‌مسئولیتی در انسان نمی‌شود؟ آلام بشر را توجیه نمی‌کند، و انسان را سست و بی‌اراده و بی‌اعتنا به نیازهای فردی و اجتماعی بار نمی‌آورد؟

۴. با پذیرفتن اینکه خداوند آفریننده و سازنده این عالم است، می‌توان پرسید چرا خداوند در امور زندگی ما - اعم از فردی و اجتماعی - دخالت و امر و نهی می‌کند؟ آیا اگر مهندسی ساختمانی را طراحی کرده و آن را ساخته باشد، حق دارد برای تمام رفتارهای ساکنان آن ساختمان دستور صادر کند؟ آیا ما نمی‌توانیم با صرف نظر از اینکه چگونه به این جهان آمده‌ایم، و آفریدگاری داریم یا نه، با دانش و تدبیر خود در پی یافتن بهترین راه برای زندگی در این جهان باشیم، و آن گونه که خود می‌خواهیم زندگی کنیم، نه آن گونه که خدا می‌خواهد؟

۵. با پذیرفتن وجود آفریدگار جهان، چرا باید او را بشناسیم، و در برابر او خضوع و خشوع و بندگی کنیم؟ آیا شناختن مهندس ساختمانی که در آن زندگی می‌کنیم و اظهار خضوع دائم در برابر او، کار لازم و حتی معقولی است؟ اساساً خداوند با اوصافی که می‌شناسیم، به اظهار بندگی ما چه احتیاجی دارد؟ آیا کارهای مهم‌تری وجود ندارند که وقت خود را صرف آنها کنیم؟

۶. چرا با اینکه بسیاری از افراد خداشناس و مسلمان‌اند، بهره‌ای از اخلاق و انسانیت نبرده‌اند؟ آیا راست‌گویی، امانت‌داری، وفای به عهد و خوش‌خلقی، در عین بی‌دینی یا نامسلمانی بهتر است، یا دروغ‌گویی، خیانت‌ورزی، بدعهدی و بدعنفی، در عین مسلمانی و خداشناسی؟ خداشناسی و دین‌باوری چه ربطی به خوبی دارد؟ آیا نمی‌توان بدون اعتقاد به آموزه‌های اسلام، یا حتی اعتقاد به خدا، اخلاق خوب و زندگی آسوده و خوشی داشت، و حتی به نیازهای معنوی خود از راهی دیگر و چه بسا مناسب‌تر پاسخ گفت؟

۷. کسانی که اعتقادی به خدا ندارند، چه بسا به بسیاری از خواسته‌هایشان می‌رسند، و احیاناً زندگی آبادتر و آسوده‌تری دارند. پس خدا باوری در زندگی چه نقشی دارد؟

به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش‌های رایج، با سطحی از خداشناسی که حتی فرهیختگان ما در حوزه‌های غیر تخصصی دین با آن آشنا هستند، دشوار است. بدین ترتیب، اصلاح یا ارتقای جامعه اسلامی متوقف است بر اصلاح یا ارتقای سطح باورهای بنیادین افراد جامعه، و گرچه ارتقای سطح خداشناسی برای نیل به همه اهداف و دستیابی به همه خواسته‌ها کافی نیست، بی‌شک آن گاه که گره‌های ذهنی پای عقل را در زنجیر می‌کشند، بازگشایی گره‌ها برای حرکت به سوی آرمان‌ها لازم و ضروری است، و بدون آن، کارهای دیگر اثر چندانی نمی‌بخشند. تلاش‌های دیگر در

این حال، همانند پر زدن مرغی است که او را در قفس اسیر کرده یا پایش را به زنجیر بسته‌اند. برای پرواز به سوی آرمان‌ها، باید گره‌ها را باز کرد و پیش از همه، موانع ذهنی را برطرف ساخت. حتی بدون وجود این موانع نیز، تنها با بینش درست و عمیق است که می‌توان انگیزه‌ها را تقویت کرد و با دقت و قوت بیشتر حرکت را ادامه داد و دیگران را نیز اقناع کرده، به راه درست رهنمون شد.

آری؛ خداباوری ضعیف و سطحی موجب می‌شود که گاه از غیر خدا بیش از خدا بترسیم، یا برای انجام دادن وظایف دینی مان، با دیگران رودربایستی داشته باشیم؛ به دیگران امید بندیم و به آنها پناه ببریم، و هنگامی که نتوانند کاری برای ما انجام دهند ناامید شویم؛ احساس محبت عمیقی به خدا نداشته باشیم؛ نه از عبادت او لذت چندان بی‌بریم، نه از قهر و غضبش پروا کنیم؛ خواسته‌های خود را بر خواسته خدا ترجیح دهیم، و مرتکب گناه و نافرمانی او شویم؛ به داشته‌های خود مغرور شویم و تکبر ورزیم، و به داشته‌های دیگران رشک ببریم؛ از ناداری‌های خود افسرده و دل‌تنگ شویم؛ به دنیا دل ببندیم و حلال و حرام خدا را جدی نگیریم.

۳. ارتباط خداشناسی با دیگر مبانی اندیشه اسلامی

فرض کنید خدایی در کار نیست یا وجود فعلی جهان و انسان ربطی به خدا ندارد؛ بلکه به هر دلیل، اینک در این برهه از تاریخ جهان واقع شده‌ایم؛ زندگی ما محدود به همین دنیاست و پس از مرگ نیز، خبری نیست. با این فرض، طبعاً انسان برای شناخت مسیر زندگی‌اش راهی جز استفاده از تجربه‌های خود و دیگران ندارد، تا بهترین زندگی را در حد مقدور در این دنیا داشته باشد؛ زندگی‌ای تا حد ممکن سرشار از لذت و رفاه. البته انسان به تدریج می‌فهمد که برای زندگی در این دنیا، گرچه به موجودات دیگر و از جمله انسان‌های دیگر نیاز دارد و می‌تواند از آنها استفاده

کند، آنها در برخی برخورداری‌ها نیز مزاحم اویند. پس به ناچار یا باید قدرتی یافت تا ضمن استفاده از امکانات موجود، بر مزاحمت‌های دیگران غلبه کرد، یا تدبیری اندیشید که با مشارکت همدیگر، و کوتاه آمدن از برخی خواسته‌ها، در مجموع زندگی بهتری فراهم ساخت. از اینجاست که قوانین اخلاقی خاصی را وضع می‌کنیم و برای انسان‌ها حقوقی قرار می‌دهیم، و دربارهٔ رعایت آنها توافق می‌کنیم، و از جمله برای ادارهٔ جامعه و رعایت آنها حکومتی تشکیل می‌دهیم و نحوهٔ ادارهٔ آن، و از جمله نحوهٔ تعیین مناصب حکومتی را نیز خود تعیین می‌کنیم. در هیچ جای این فرض، خدا و دین دخالتی ندارد؛ نه در اهداف انسانی، نه در اخلاق، نه در حقوق و نه در سیاست. این همان نگاه سکولاریستی است که برای خدا هیچ نقشی در امور زندگی قائل نیست. در برابر، در نگاه توحیدی، انسان موجودی بی‌مبدأ نیست که ناگاه در این سرای هستی پیدا شده باشد؛ از ناکجاآباد آمده و به عدمستان رهسپار باشد؛ وجودش بیهوده و بی‌حساب، و در بیابان کران‌ناپیدای هستی وا گذاشته به حال خود باشد. او آفریدگاری دارد حکیم و خیرخواه؛ هدفی دارد متعالی و متناسب با نیازهایی که در وجودش نهاده شده است؛ و دنیا معبری است برای امکان دستیابی وی به نوعی زندگی برتر که با انتخاب خود، آن را در اینجا رقم می‌زند، و پس از مرگ در عالمی دیگر زاده می‌شود و تا ابد به زندگی خودساخته ادامه می‌دهد. نه اهدافش محدود به دنیاست؛ نه اخلاقش صرفاً برای گذران این زندگی؛ نه نیازهای معنوی اش از هر راهی تأمین می‌شود؛ و نه حقوق و تکالیفش را می‌تواند خودش درک کند، بلکه نیازمند راهنمایی راه‌بلد است. اهداف حاکمیت در جوامع انسانی نیز بسی والاتر از رفع نیازهای روزمرهٔ دنیاست. آدمی بنده است، نه رها؛ سرپرستی دارد دل‌سوز که برای راهیابی به سعادت، نیازمند راهنمایی وی و پیروی از اوست؛ با انس با خدا به آرامش حقیقی و جاودان دست می‌یابد و بدون او هیچ گاه احساس دل‌تنگی و غربتش پایان نمی‌پذیرد، هر چند